

حرکت در صنایع نساجی ادامه دارد...



مهندس ناصر زجاجی

هیچ تفاوتی میان یک مهندس تازه کار و یک مهندس با تجربه وجود ندارد. البته جامعه متخصصین نساجی حرکات خوبی را در راستای تحقق نظام مهندسی نساجی انجام داده است که قابل تقدیر می‌باشد. به اعتقاد من افرادی که به وجود بحران در صنایع نساجی اعتقاد دارند، خودشان بحران زده هستند و به محض این که در واحد یا کارخانه خود دچار مشکل می‌شوند آن مشکل را به تمام صنایع نساجی کشور ایران تعمیم می‌دهند و گویی تمام دنیا با بن بست مواجه شده است!!

خوشبختانه تولید و حرکت در صنایع نساجی کشور ادامه دارد و در حال حاضر بیشترین حجم سرمایه گذاری صنایع نساجی کشور به فرش ماشینی و مسائل مرتبط با ریسندگی آکرولیک مربوط است که سرمایه و تخصص فراوانی را می‌طلبد که در صورت باور و ارتباط دوجانبه و واقعی میان صنعت و دانشگاه این سرمایه گذاری در بستر تخصص و تکنولوژی روز دنیا به سرانجام خواهد رسید.

زمانی در شهر کاشان، مجمع فارغ التحصیلان نساجی تشکیل شده بود که فارغ التحصیلان قدیمی و متخصصین جوان را گرد هم جمع می‌کرد به این ترتیب تجربه و تخصص در کنار یکدیگر قرار می‌گرفت در حال حاضر ارتباط میان نسل قدیم و نسل جدید کاهش یافته است که باید برای این امر تدابیر جدی و لازم در نظر گرفته شود. به اعتقاد من باید بزرگان، پیشکسوتان و جوانان این صنعت جلسات مشترکی تشکیل دهند تا صنایع نساجی از سردرگمی فعلی رهایی یابد در غیر این صورت به موفقیتی دست نخواهیم یافت. فکر می‌کنم جامعه متخصصین نساجی می‌تواند متولی این کار باشد.

اگر واقع نگر باشیم با ارائه بازتنه‌سنگی پیش از موعد و بیمه بیکاری تعداد زیادی افراد متخصص را ناخودآگاه از دست داده ایم و بدون برنامه ریزی جهت آموزش افراد جدید و ظهور کارفرمایانی که سودهای آنی می‌خواستند همه چیز فرصت سوزی شد. در حالیکه این افراد در زمان خود تولیداتی می‌دادند که تماماً به اکثر کشورهای خاورمیانه صادر می‌گردید. ولی اکنون نیز می‌توان با استفاده از امکانات فعلی و پی بردن به توان افراد و ایجاد مشاغل کوچک و برنامه ریزی جهت فروش محصولات صنایع کوچک برنامه کاری انجام گیرد. فی‌الواقع با این نیروهای موجود و استفاده از توان کانون‌های بازتنه‌سنگی برنامه‌های اساسی را می‌توان ایجاد کرد.

بنظر من در حال حاضر یک نیم نگاه به گذشته نه چندان دور که در ایران کارگران کره ای و ترکیه ای که باید اقرار کرد که این دو کشور در حال حاضر حرفه‌های خوبی برای گفتن دارند و دلیل ساده آن، نماندن در افتخارات گذشته و اعتماد و برنامه ریزی و حرکت به سمت جلو که نمونه حقیقی آنرا در سندیکای نساجی مشاهده می‌کنیم که اکثر آقایان سال‌ها قبل مدیر یک شرکت ظاهراً موفق بوده اند اما امروز چطور؟ در هوای آن روزها هستند...؟؟؟

امروز ما توان رقابت نداریم و دلیل عدم رقابت عدم خودباوری و اعتماد به تولید داخلی است چه بسیار تولیداتی که داخل تولید شده و با مارک خارجی و به نام خارجی ارائه می‌گردد. باید باور کنیم که بازاریابی و فروش یک علم است. نحوه ارائه و بسته بندی یک هنر است و تا زمانیکه حاضر نشویم بپذیریم که در زمینه ارائه تولید و بسته بندی نیز باید به برنامه‌ریزی بپردازیم قادر نخواهیم بود کار خاصی انجام دهیم و نکته قابل توجه تعریف مشخص و استاندارد از اجناس تولید شده با توجه به نوع مصرف آن است.

متولد سال ۱۳۳۵ در شهر کاشان هشتم و از سال ۱۳۵۱ به عنوان کارگر ریسندگی کارخانه ریسندگی کاشان، وارد صنایع نساجی شدم. با توصیه اطرافیان به تحصیل ادامه دادم و پس از دریافت دیپلم نساجی در سال ۱۳۵۴ به سرکاری رفتم.

پس از دوران سرکاری به کارخانجات مخمل و ابریشم کاشان رفتم و به فعالیت خود در صنعت نساجی ادامه دادم تا این که در سال ۱۳۶۶ در کنکور دانشگاه آزاد اسلامی رشته مهندسی تکنولوژی نساجی (واحد کاشان) پذیرفته شدم. هنگام تحصیل به کار در مخمل و ابریشم کاشان نیز ادامه دادم و در سال ۱۳۷۲ فارغ التحصیل شدم.

حدود ۱۷ سال در کارخانجات مخمل و ابریشم کاشان مشغول فعالیت بودم. کارخانه عظیم و ارزشمندی که متأسفانه پس از انقلاب مورد غفلت قرار گرفت و هیچ بررسی صورت نگرفت کارخانه مذکور که زمانی به عنوان طاووس نساجی ایران شناخته می‌شد، در حال حاضر چه روزهایی را سپری می‌کند و به چه دلیل آن دوران پر افتخار و باشکوه به اتمام رسید. در مدت ۱۷ سال که در این کارخانه بودم به خوبی با تار و پود آن آشنا شدم و به موفقیت‌های قابل توجهی نیز در این کارخانه دست یافتیم؛ به طوری که تولید انواع پارچه‌های مختلف، مخمل تاری، مخمل پودی و فرش ماشینی در این کارخانه از رونق بسیار خوبی برخوردار بود و شاید کمتر کسی می‌داند که نخستین کارخانه تولید فرش ماشینی متعلق به کارخانه مخمل و ابریشم کاشان است. اما زمانی که این کارخانه بزرگ با بیش از ۳ هزار نفر کارگر و پرسنل، دوران رکود خود را آغاز کرد؛ تولید انواع پارچه مخمل نیز در کشور منسوخ و مسیر واردات مخمل از کشورهای نظیر ترکیه، کره جنوبی و ... هموار شد!

نساجی خوی آخرین کارخانه ای بود که در آن فعالیت می‌کردم و به نظر من علت اصلی کسب موفقیت در احیای نساجی خوی، وحدت رویه بود به این ترتیب که مدیر عامل اختیارات کامل را از هیأت مدیره دریافت کرده بود و همگی ما به عنوان اعضای یک تیم در کارخانه (جهت تولید) و دفتر مرکزی (جهت فروش محصولات) به فعالیت ادامه می‌دادیم و سرانجام با توکل به خداوند و کمک تمام پرسنل، جان دوباره ای به کالبد بی رمق نساجی خوی بخشیده شد. در آن زمان مدیریت زمان را به خوبی در نساجی خوی پیاده کردم و شیفت کارها و کار با دستگاه‌ها و حتی نوع چیدمان ماشین آلات را براساس یک نظم و ترتیب خاص استوار ساختم به این ترتیب توانستیم انواع نخ پنبه را در کشور تولید کنیم کاری که کمتر کارخانه ای قادر به انجام آن می‌باشد.

گرچه در طول این سال‌ها در این صنعت فعال بودم ولی هیچ وقت به فکر تأسیس کارخانه نساجی نیفتادم چون راه اندازی کارخانه نیازمند سرمایه و ریسک بالاست و همان طور که می‌دانید بازار ایران با ثبات نیست و دائماً در نوسان و تغییر و تحول قرار دارد. به همین دلیل به فکر تأسیس کارخانه نیستیم و کار صادقانه و پشتکار را سرلوحه فعالیت‌هایم قرار داده ام و به همین دلیل از زندگی حرفه ای خود رضایت کامل دارم.

به نظر بزرگترین مشکل مشترک تمام واحدها و کارخانجات نساجی، سوء مدیریت است. نساجی سود زود بازده ندارد به همین دلیل اکثر افرادی که به طمع کسب سود زودبازده وارد نساجی شدند پس از مدتی متوجه واقعیت شدند و کار را رها کردند. خوشبختانه از نظر دانش فنی، متخصصین کشور در سطح خوبی قبول دارند هر چند جای رشد و پیشرفت بیشتر برای دانشجویان و فارغ التحصیلان وجود دارد. نکته مهم دیگر این که در حال حاضر